

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2024; 16: e10

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Reflection of drug Addiction in the Poetry of Safavid Poets

Hadi Bayati^{1*}, Mohsen Rostami²

1. Department of Islamic Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

2. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Khwarazmi, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Before the Safavid era, the use of substances such as opium as a medicine was common. But in this era, all kinds of drugs for pleasure spread and different classes of people, soldiers, ministers and even the king himself turned to it and tried to use them to advance their political goals. So that it's improper use, the society was caught in a problem called addiction. The literature of this period was not far from the effects of addiction and it was clearly reflected in the poets' poems. Accordingly, the present study seeks to address the issue of addiction through the lens of poetry of Safavid poets and to answer the question that from the poets' point of view, how did drug addiction spread and what was their reaction as a group of intellectuals in society to this issue?

Methods: This research is descriptive-analytical and the method of collecting data is library and historical research.

Ethical Considerations: In this research, the ethical aspects of library study, including the authenticity of texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings indicate that people turned to drugs with the intention of stimulating taste, pleasure, sadness and happiness, stimulation of sexual desire and therapeutic use. But due to its destructive effects, they wanted to quit and while condemning the use of such substances, they also suggested gradual quitting them.

Conclusion: In the poets' works of the Safavid period, types of drugs were mentioned 85 times. Opium and tobacco are the most used and poppy and hemp are the least used. Many examples of terms related to drugs, how to prepare and use these drugs, condemning the sufferers and presenting various suggestions to get rid of addiction, in the poets' poems of this period indicate the prevalence of drugs in those days.

Keywords: Poets; Safavids; Addiction; Drugs

Corresponding Author: Hadi Bayati; **Email:** h.bayati@umz.ac.ir

Received: January 23, 2022; **Accepted:** June 28, 2023; **Published Online:** August 21, 2024

Please cite this article as:

Bayati H, Rostami M. Reflection of drug Addiction in the Poetry of Safavid Poets. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2024; 16: e10.



زمینه‌ها و دلایل گرایش اعتیاد به مواد مخدر در جامعه عصر صفوی از دیدگاه شاعران

هادی بیاتی^{۱*}، محسن رستمی^۲

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تا پیش از روزگار صفویان، استعمال موادی چون تریاک به عنوان دارو رواج داشت. در این عهد رواج انواع مواد مخدر به قصد لذت گسترش یافت و طبقات مختلف مردم و سپاهیان و وزرا و حتی شخص شاه به آن رو آوردند و حتی کوشیدند از این مواد در پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده نمایند، به طوری که استعمال بی‌رویه آن، جامعه را گرفتار معضلی به نام اعتیاد ساخت. ادبیات این دوره نیز از تأثیرات اعتیاد به دور نماند و در شعر شاعران ابعاد و چرایی گرایش به اعتیاد به مواد مخدر منعکس شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است به مسأله اعتیاد از دریچه شعر شاعران عصر صفوی بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که زمینه‌ها و دلایل گرایش مردم و برخی شاعران به مواد مخدر از دیدگاه شاعران عصر صفوی چه بوده و عکس‌العمل آنان به عنوان گروهی از آگاهان جامعه به این مواد چه بوده است؟

روش: روش به کار گرفته شده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای و پژوهشی تاریخی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شواهد و نمونه‌های فراوان اصطلاحات مربوط به مواد مخدر در اشعار شاعران دوره صفوی و انعکاس نحوه تهیه و استفاده این مواد در اشعار و بالاخر نکوش مبتلایان به این بلایا و ارائه پیشنهادهاى مختلف جهت ترک اعتیاد، خود حاکی از شدت رواج مواد مخدر در بین مردم و نیز برخی شاعران این روزگار است.

نتیجه‌گیری: در آثار شاعران مورد بررسی که بیشترین اشاره به مواد مخدر داشته و خود از مبتلایان به آن، در دوره صفوی بوده‌اند، انواع مواد مخدر ۸۵ بار نام برده شده است که تریاک و تنباکو با بیشترین و کوکنار و بنگ با کمترین مصرف را نشان می‌دهد. از دیدگاه شعرا در دوره صفوی، مردم به قصد تهییج ذوق، تفنن و جهت غم‌گساری و شادمانی، تحریک میل جنسی و استفاده درمانی به مواد مخدر رو آورده بودند، اما بعد از اعتیاد به مواد مخدر به علت تأثیرات مخرب آن درصدد ترک برآمدند و ضمن نکوش استعمال این گونه مواد، در این راه، ترک تدریجی مواد را نیز پیشنهاد کرده‌اند.

واژگان کلیدی: شاعران؛ صفویه؛ اعتیاد؛ مواد مخدر

نویسنده مسئول: هادی بیاتی؛ پست الکترونیک: h.bayati@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Bayati H, Rostami M. Reflection of drug Addiction in the Poetry of Safavid Poets. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2024; 16: e10.

مقدمه

آثار ادبی به ویژه انواع شعر که حاصل ذوق و اندیشه اربابان هنر سخن‌پردازی است یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین منابع در دسترس مورخان و تاریخ‌نویسان است. درون‌مایه بسیاری از قوالب شعری، از قصیده گرفته تا قطعه، رباعی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و غزل و انواع گوناگون شعر به عنوان داده و مواد خام در تاریخ مطرح بوده است. این رویکرد در آثار شاعران نشان‌دهنده آن است که آنان علاوه بر مدح شاهان و درباریان و بزرگان مملکت به اوضاع اجتماعی مردم هم بی‌توجه نبوده‌اند و در قالب‌های گوناگون مسائل اجتماعی این عصر را ثبت کرده‌اند. یکی از موضوعاتی که در عصر صفوی رواج داشته و از دید شاعران این دوره به دور نمانده، مسأله استعمال مواد مخدر بود، به طوری که در این دوره اعتیاد به مواد مخدر بخش زیادی از جامعه، از جمله مردم عادی و حتی سران حکومت و شخص شاه را دامن‌گیر کرده بود و بازتاب آن در آثار متعدد تاریخی این عصر و نوشته‌های سفرنامه‌نویسان و به ویژه در شعر شاعران انعکاس یافته است (۱). با آغاز دولت صفوی توسط شاه‌اسماعیل اول در سال ۹۰۷ قمری و شکل‌گیری کشمکش‌های داخلی و خارجی، اغلب مردم به منظور رهایی غم و اندوه و یا ایجاد شادی و نشاط از مخدراتی نظیر افیون و تریاک استفاده می‌کردند و عادت به افیون و مفرح افیونی، تریاک، تنباکو، بنگ و حشیش و دیگر معجون‌های مرگ‌بار در ایران و هند رواج داشت. بنابراین مصرف بیش از حد مواد مخدر در عصر صفوی و فراگیر شدن آن در جامعه، مورد توجه ادیبان قرار گرفت و آنان این پدیده اجتماعی را در اشعار خود به تصویر کشیدند. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است به مسأله اعتیاد از دریچه شعر شاعران عصر صفوی بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که مسأله اعتیاد به مواد مخدر از دیدگاه شاعران عصر صفوی چگونه بازتاب شده و عکس‌العمل آنان به عنوان گروهی از آگاهان جامعه به این مواد چه بوده است؟

۱. پیشینه پژوهش: پژوهش‌های مختلفی در باب اعتیاد و مواد مخدر در دوره صفوی صورت گرفته، از آن جمله: «پیدایی

و شیوع اعتیاد به افیون در عصر صفوی» از یعقوب تابش و دیگران (۱۳۸۹ ش.) که نویسنده با تکیه بر منابع تاریخی این دوره سیر گرایش و فراگیر شدن اعتیاد به افیون در دوره صفوی را در سه مرحله آغازین، میانی و پایانی را مورد بررسی قرار داده و معتقد است تحولات مرتبط با افیون در سراسر عصر صفوی از الگوی یکسانی پیروی نکرده و اواخر این دوره مصرف مواد مخدر رو به رشد بوده است. در اثر دیگر این نویسنده با عنوان «تأثیر فرمان منع مسکرات شاه‌طهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی» (۱۳۹۶ ش.)، به بررسی فرمان شاه‌طهماسب در مورد منع مسکرات پرداخته و بر این باور است که این منع، رفته‌رفته اعتیاد به افیون را در این دوره افزایش داد و این افزایش پیامدهای اجتماعی جدیدی را موجب شد و زمینه فراگیر شدن اعتیاد به مواد مخدر را در دوره‌های بعدی را فراهم نمود. محسن مؤمنی و همکاران نیز در اثری با عنوان «مواد مخدر در ایران عصر صفوی» (۱۳۸۹ ش.)، معتقدند استفاده از مواد مخدر در دوره صفوی به صورت گسترده رواج پیدا کرد و عوامل گسترش آن را عادت‌های غلط جامعه و استفاده از ترکیبات مواد مخدر به عنوان دارو ذکر نموده‌اند. نویسندگان بدون توجه به ادبیات منظوم این دوره و واکنش آنان به اعتیاد به مواد مخدر درصدد ارائه تحلیلی از اوضاع این دوره هستند. ساسان طهماسبی و مرضیه کاظمی نیز در پژوهش با عنوان «اعتیاد به مواد مخدر و پیامدهای اجتماعی آن در دوره صفویه» (۱۳۹۵ ش.)، انگیزه‌های اصلی روی آوردن مردم به اعتیاد را مورد بررسی قرار داده و معتقدند مردم با انگیزه‌های تفریح و سرگرمی، نیاز جنسی و گرایش‌های فرقه‌ای به مصرف مواد مخدر روی آوردند و این اعتیاد آنان پیامدهای چون مشکلات روانی و رشد منفی اقتصادی را به بار آورد. آثار دیگری چون «تبلور عناصر قهوه‌خانه‌ای در شعر عصر صفوی»، از ناصر نیکوبخت و همکاران (۱۳۹۳ ش.)، «بررسی سیر ورود و مصرف مواد مخدر در دوره صفویه» نعمت‌الله احمدی نسب و همکاران (۱۳۹۳ ش.) و اثری با عنوان «The Pursuit of Pleasure: Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900» (۲۰۰۵)، از روی متنی صورت گرفته که در آن‌ها در باب شیوع

یافته‌ها

افیون یکی از مواد اعتیادآوری بود که از عهد شاه‌طهماسب به بعد در ایران به کار برده می‌شد و مردم و به ویژه شاعران جهت تحریک قریحه و طبع شاعری خویش به این ماده بیشتر روی می‌آوردند و به عنوان داروی بیهوشی از آن یاد کرده‌اند. کاربرد افیون در سیاست‌ورزی‌های طبقه حاکم نیز به چشم می‌خورد. متون دارویی عصر صفوی به کاربردهای پزشکی افیون اشاره کرده‌اند، اما هرگاه بحث اعتیاد به این ماده مطرح بوده با آن مخالفت کرده و بر مضراتش تأکید کرده‌اند (۷-۵). شاعران این دوره به کرار به استفاده افیون برای تهییج ذوق برای بیان اشعار و قریحه شاعری خود و خاصیت بیهوشی آن برای استفاده درمانی اشاره کرده‌اند.

ماده مخدر دیگر در این دوره تریاک یا خشخاش بود. پزشکان ایرانی چون ابوعلی‌سینا و رازی تریاک را می‌شناخته و آن را به عنوان مسکن قوی تجویز می‌کردند (۲)، اما استعمال آن به شکل کنونی، نه به عنوان پادزهر گویا از روزگار صفویان در ایران مرسوم شد (۱). چنین به نظر می‌رسد که تا نیمه حکومت صفوی واژه افیون نسبت به کلمه تریاک کاربرد بیشتری داشته است، اما به تدریج از نیمه دوم این حکومت روند جایگزینی واژه تریاک به جای افیون افزایش یافت و این تغییر چون با فراگیری اعتیاد در جامعه همراه بود، بسیار محتمل به نظر می‌رسد، زیرا واژه تریاک در آن زمان دارای بار مثبت بوده است. شیوع اعتیاد به تریاک به حدی در دوره صفوی گسترش پیدا کرده بود که طبق اشاره منابع می‌توان گفت از هر ده نفر فقط یک نفر از تریاک به دور بود (۳، ۱، ۴). در این دوره شاعران به علل استعمال و استفاده از مواد افیونی و تریاک به قصد تحریک و تهییج ذوق، خاصیت درمانی و پادزهری آن اشاره نموده‌اند و حتی تعدادی از شاعران این دوره، از جمله صائب تبریزی، مولانا اوجی کشمیری، محمدطاهر نصرآبادی، طالب آملی و... به مصرف این مواد گرفتار شدند. با این حال ایشان در اشعار خود به نکوهش این مواد پرداخته و انزجار و بیزاری خود را نشان داده‌اند.

مواد مخدر چون بنگ و تریاک و افیون در بین مردم دوره صفوی پرداخته شده است، اما به نظر می‌رسد جای آثار ادبی به ویژه مجموعه‌های شعر که می‌توانسته است با بیانی شیوا مسائل این چنینی را بازگو کند، در این میان خالی است و تنها در این زمینه می‌توان از مقاله مهدی نوریان و همکارانش با عنوان «بازتاب پدیده اعتیاد در شعر صائب» (۱۳۸۴ ش.) نام برد که به انعکاس استعمال مواد مخدر تنها در دیوان صائب تبریزی به عنوان برجسته‌ترین شاعر این زمان پرداخته و کنکاشی در اشعار دیگر شاعران صورت نگرفته است و حتی اثر فوق به علل روی آوردن مردم و شعرا به اعتیاد و عکس‌العمل شعرای این دوره نسبت به مواد مخدر نیز نپرداخته است. بنابراین بررسی پژوهشی مستقل که بازتاب اعتیاد به مواد مخدر در شعر شاعران عصر صفوی را آشکار نماید و واکنش آنان به اعتیاد مواد مخدر را به بوته ارزیابی و تحلیل قرار دهد، ضروری می‌نماید.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این پژوهش کتابخانه‌ای با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تحقیق و تفحص در دیوان شاعران دوره صفوی فراهم شده است، بدین ترتیب ابتدا واژگان مرتبط با مواد مخدر در شعر شاعران با نام‌های افیون، کوکنار، تریاق یا تریاک، توتون، تنباکو و قلیان‌کشی استخراج شده است و سپس علت گرایش و عکس‌العمل مردم به ویژه شاعران به عنوان گروهی از روشنفکران جامعه به اعتیاد به این مواد مخدر با مراجعه به کتب معتبر دوره صفوی و همچنین مقالات و کتاب‌های مرتبط با اعتیاد به تفکیک بررسی شده است.

مدتی گرفتار افیون شده بود (۸). مولانا اوجی کشمیری هم در سن ۵۵ سالگی، دچار اعتیاد به افیون شد و کیفیت پایین اشعار او نیز بی‌تأثیر از مصرف افیون نبود (۹). صائب تبریزی (۱۰۸۰-۱۰۰۰ ق.) نیز از جمله درباریان و خواص آن روزگار بود که گرفتار اعتیاد به مواد مخدر بود و مواد مخدر در دیوان اشعار او بازتاب گسترده‌ای دارد (۷). بنابراین هر چند شاعران دیگری نیز مانند طالب آملی، مسیح کاشانی، صائب تبریزی، صفی اصفهانی (متوفی ۱۰۲۸ ق.) و... در استعمال و استفاده از تریاک و خشخاش به قصد تحریک و تهییج ذوق خود راه مبالغه را پیش گرفتند و در نتیجه این خبط خود بدان مواد گرفتار شدند، لیکن در اشعار خود به نکوهش این مواد پرداخته و انزجار و بیزاری خود را نشان داده‌اند و راهکارهای مختلفی برای ترک اعتیاد به مواد مخدر ارائه داده‌اند (۸). بر این اساس، در ادامه به بررسی انواع مواد مخدر و بازتاب آن در شعر شاعران این دوره پرداخته می‌شود.

۲. افیون، کوکنار و مفرح افیونی: افیون معرب کلمه اپیون (Opion) است که ریشه لاتینی دارد و به معنی ضد بیماری است. افیون برای کیف و به شکل اعتیادآور از دوره صفویه مصرف می‌شده است و برای تأثیرگذاری بیشتر، آن را به شراب اضافه می‌نمودند (۱۱).

مفرح افیونی نیز مفرحی بود که از شیر کوکنار با زعفران و دارچین و بعضی ادویه دیگر به صورت‌های مختلف تهیه می‌شد، این نوع مخدر از عهد شاه‌طهماسب به بعد در ایران به کار برده می‌شد و مردم در قهوه‌خانه‌ها و مجالس خود به مصرف آن مبادرت می‌ورزیدند و به ویژه شاعران جهت تحریک قریحه و طبع شاعری خویش به این ماده بیشتر روی می‌آوردند و از آن در سروده‌های خویش با نام داروی بیهوشی نیز یاد می‌کردند (۱۲). درباره طالب آملی (۱۰۳۶-۹۹۴ ق.) از شاعران بزرگ پارسی و طبری‌سرا سده یازدهم قمری نوشته‌اند در اواخر حیات وی دچار اختلال حواس شده و مرگش به دنبال همین عارضه رخ داد. تصور می‌رود که این اختلال حواس اگر حقیقت داشته باشد، نتیجه مداومت در استعمال معجون افیون‌دار باشد (۱۳). همچنین آمده است که طالب

مصرف بنگ نیز در دوره صفویان رواج داشت و مصرف آن چنان سبب بی‌آبرویی بود که گاه از آن به عنوان تهمت سیاسی بهره می‌بردند، حتی در متون فقهی بنگ و سایر مشتقات گیاه شاه‌دانه به صراحت تحریم شده است. در بین شاعران این عهد کسانی هم بودند که به هوای تهییج قوه مخیله و ذوق شاعری، رفع غم و ایجاد شادمانی و تسکین درد و خواب‌آور بودن آن، در استعمال این مواد مخدر زیاده‌روی می‌نمودند.

کشیدن توتون و تنباکو نیز در نیمه اول قرن دهم قمری در ایران متداول شده بود (۵-۷). کشت تنباکو هم ظاهراً در سال‌های نخست سده یازدهم در ایران مرسوم گشته است. از دیدگاه شاعران این دوره فرامین ممنوعیت مسکرات از جمله در دوره شاه‌طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ق.) موجب روی آوردن مردم به تنباکو شد و عده‌ای نیز برای سرگرمی و تفنن و رفع غم و اندوه به مصرف تنباکو می‌پرداختند. بر این اساس، در میان شاعران این عصر نظرات متفاوت و مختلفی درباره مصرف تنباکو و قلیان‌کشیدن وجود دارد، مثلاً میرزا محمد صائب تبریزی بزرگ‌ترین غزل‌سرای سده یازدهم قمری و نامدارترین شاعر زمان صفویه از عاشقان تنباکو بود. در بین شاعران این عهد کسانی همچون اهلی شیرازی، صائب تبریزی، طرزی افشاری هم بودند که هم‌نوا با علمای شرع استعمال قلیان و تنباکو را منع و نکوهش می‌نمودند.

بحث

۱. شاعران و اعتیاد در جامعه عصر صفوی: مصرف مواد مخدر در ایران عصر صفوی، جزء لاینفک حیات اجتماعی بوده است و با توجه به گزارش‌های مورخان و شاعران رواج گسترده مواد مخدر در این عصر واکنش‌های زیادی را دربر داشت. از جمله گروه‌هایی که در عصر صفوی به اعتیاد به مواد مخدر گرفتار شدند، شاعران بودند. چنانچه طالب آملی (۱۰۳۶-۹۹۴ ق.) یکی از شاعرانی بود که به دلیل استعمال مواد مخدر دچار اختلال حواس شده بود (۱۰). ابوتراب بیگ فرقتی (متوفی ۱۰۲۵ ق.) و محمدطاهر نصرآبادی (۱۰۸۸-۱۰۲۷ ق.) نیز

هنگامی که به هند رفت و قرار بود به پیشگاه جهانگیر شاه (۹۷۷-۱۰۳۷ ق.) چهارمین پادشاه امپراتوری گورکانیان هند معرفی شود، مقداری مفرح افیونی خورده بود و در نتیجه هنگام بار یافتن به اختلال حواس دچار شده و نتوانسته بود در برابر محبت‌ها و عنایت‌های شاهانه کلمه‌ای بر زبان آورد. وی در قطعه‌ای که بعد از این مجلس در اعتذار سرود چنین گفت:

دو چیز مهر زبان سخنوری گردید
 مرا به بزم شهنشاه خوش‌عبار سخن
 یکی زیبونی طالع که دائم از اثرش
 به هر دیار غریبم به گونه‌گونه محن
 دگر زیادتی نشعه‌ای که نامش را
 نمی‌توانم از شرم بر لب آوردن
 مفرحی زده بودم به قصد گفتن شعر
 عروج نشعه آن کرد هر چه کرد به من (۱۳)

نصرآبادی درباره میرفخرالدین (۹۸۴-۹۱۸ ق.) از شعرا و ادبای اصفهان در زمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق.) از سادات سماکی استرآباد می‌گوید که کوکناری شده، کیف بسیار می‌خورد و در کمال عسرت بود. گاهی در کوکنارخانه‌ها قصه خوانی می‌کرد (۱۰). آنچنانکه نصرآبادی آورده است، گویا میرفخرالدین هم زمانی گرفتار چنین بلاهایی بوده است (۱۰). ابوتراب بیگ فرقتی (متوفی ۱۰۲۶ ق.) از شعرای کاشانی دوره صفوی نیز در آخر عمر شعر کم می‌گفت و دچار افیون شده بود و به همین علت غزل‌هایش عاری از تخلص و غالباً ناتمام و ابتر مانده است (۸). مولانا اوجی کشمیری (متوفی ۱۰۲۰ ق.) از بزرگ‌ترین و تواناترین نستعلیق‌نویسان شبه قاره هند، هم در سن ۵۵ سالگی افیونی شده بود و تا جایی در اعتیاد پیش رفته بود که از سر رشته نظم افتاده بود و اگر دو سه بیتی هم شعر می‌گفت «چندان ناخن بر دل نمی‌زد» (۹).

۲-۱. دلایل گرایش به افیون و کوکنار

۲-۱-۱. تهییج ذوق و رفع غم و اندوه: یکی از دلایل گرایش به افیون در دوره صفوی احساس نیاز شعرا به تقویت قوه تخیل بوده است، چرا که رواج سبک هندی که با دشواری خاصی همراه بود، شعرای ایرانی را با مشکل رو به رو می‌کرد. بر

این اساس آنان سعی می‌کردند به زعم خویش با مصرف افیون قوه تخیل خود را تقویت نموده و اشعاری بهتر بسرایند، اما مصرف این مواد توسط شعرا همیشه نتیج دلخواه را در پی نداشته، بلکه عواقب شومی را نیز به دنبال داشته است. طالب آملی نیز بارها به استفاده از مفرح افیونی برای تهییج قوه مخیله و ذوق و قریحه شاعری خود اعتراف نموده است:

طالب نصیب ما ز می لاله‌رنگ نیست
 ما را برات نشعه به افیون نوشته‌اند
 بی‌نشعه افیون به تنم هوشی نیست
 این زهر گوارنده کم از نوشی نیست
 نشعه‌ای داشتم ز باده خشک
 ندانستمی سر از پا من
 روی گردان می‌شود از صحبتش فیض شراب
 همچو طالب هر که او معتاد افیون می‌شود
 دمی گر زر افشان نبود برنج است
 کفش افیون ایثار گنج است (۱۳)

گزارش‌های شاردن (Chardin) و تاورنیه (Tavernier) نشان می‌دهد کسانی که افیون مصرف می‌کردند، بعد از زمان مصرف به اعمال و حرکات مسخره‌آمیز و سخنان هذیان‌آمیز و پرت و پلاگویی می‌پرداختند، اما بعد از مدتی مصرف‌کنندگان افیون و کوکنار دچار اختلال و روان‌پریشی می‌شدند (۱۵، ۱). در نگاه شاعران این دوره نیز افیون جهت رفع غم و اندوه استفاده می‌شده است. صائب تبریزی (۱۰۸۰-۱۰۰۰ ق.) در مورد خاصیت تهییج ذوق و رفع غم و اندوه افیون آورده است:

افیون خمار باده گلگون نشکند
 از دایه مهربانی مادر طمع مدار
 کاهش و افزایش این نشعه با یکدیگر است
 می‌خورد افیون تو را چندان که افیون می‌خوری
 دوستی از لشکر بیگانه می‌دارد طمع
 بهر ترتیب دماغ آن کس که افیون می‌خورد (۷)

نغمه‌ای از ارغنون بزم احباب تو عیش
 نشعه‌ای از کوکنار بخت اعدای تو خواب (۱۷)

بیهوشی افیونی مورد تأکید صائب تبریزی بوده و در این مورد آورده است:

چشم آهو چشم من هرگز بدین مستی نبود
گویا در سرمه‌اش بیهوش دارو کرده‌اند
چشم مخمور تو را حاجت می‌نوشی نیست
سرمه در چشم کم از داروی بیهوشی نیست (۷)

ابوطالب کلیم همدانی یا کلیم کاشانی (۱۰۶۱-۹۹۰ ق.) شاعر بزرگ قرن یازدهم قمری نیز به خاصیت بیهوشی افیون اشاره می‌کند:

ساغر خالیش از داروی بیهوشی پر است
هیچ دریاکش حریف کاسه تمبور نیست
بلندقد را سرگشتگان وادی غم
مفرحی پی دفع و بال می‌خواهند
چو باده بی‌تو حرام است زان نمی‌طلبند
حرام‌عیشان کیف حلال می‌خواهند (۲۰)
وقت آن است که افیون به شراب اندازیم
دو جهان را به یکی جرعه خراب اندازیم (۲۱)

۲-۲. واکنش شاعران به مصرف افیون و کوکنار: متون دارویی عصر صفوی به کاربردهای پزشکی افیون اشاره کرده‌اند، اما هرگاه بحث اعتیاد به این ماده مطرح بوده با آن مخالفت کرده و بر مضراتش تأکید کرده‌اند. از همین روست که می‌بینیم در این دوره مردم همچنانکه با انواع مواد مخدر و شیوه‌های گوناگون استفاده آن‌ها آشنایی کامل داشتند، ولی روش خلاصی از آن‌ها را هم به خوبی آموخته بودند و شاعران در اشعار خود به آن اشاره کرده‌اند.

۲-۲-۱. تقلیل تدریجی مصرف افیون و کوکنار: صائب تبریزی یکی از روش‌های مقابله با مصرف افیون و کوکنار و چگونگی ترک آن را کاهش تدریجی مصرف آن‌ها دانسته و اشاره کرده است:

ترک افیون را علاچی بهتر از تقلیل نیست
اندک‌اندک ز آشنایان جهان بیگانه شو

۲-۱-۲. رفع کم‌توانی جنسی: در دوره صفوی یکی از روش‌های درمانی پزشکان برای کم‌توانی جنسی به ویژه درباریان و بزرگان استفاده از ترکیبات کوکنار بود. این نوع از کوکنار که ترکیبی بود از ماده مخدر اولیه به علاوه عطرهایی خوش‌طعم و البته گران‌قیمت همچون مشک و عنبر که گاه به شکل حب درمی‌آمده و سپس تجویز می‌کردند (۱۸). شاردن و کمپفر (Kaempfer) به علاقه وافر ایرانیان به این نوشیدنی اشاره کرده‌اند و محل مصرف این ماده را «کوکنار خانه» دانسته‌اند (۱، ۱۸). عرفی شیرازی به اهمیت افیون و کوکنار در این زمینه چنین اشاره می‌کند:

با هوسناکان همی‌گفتیم در میخانه دوش
هان قناعت کن که افیون در شراب انداختیم (۱۶)

۲-۱-۳. جنبه درمانی و خاصیت بیهوشی: ابن سینا مهم‌ترین اثر افیون را خاصیت درمانی آن، از جمله تسکین درد اندام‌ها می‌داند و علل آن را سردشدن اندام و وجود سم متضاد نیروی اندام بیان می‌کند (۲). در طب جدید نیز اثر ترکیبات افیونی در تسکین دردهای متوسط و شدید به خوبی شناخته شده است، به طوری که توصیه می‌گردد دردهای دارای شدت متوسط با ترکیبی از داروهای ضد درد معمول و داروهای افیونی ضعیف مانند کدئین درمان گردیده و برای دردهای شدید و مقاوم از ضد دردهای افیونی قوی استفاده شود (۱۸). در زمان بوعلی چگونگی اثر این داروها در تسکین درد ناشناخته بوده و فقط به خواص سرد و خشک آن اشاره شده است. بوعلی در مورد چگونگی خاصیت بیهوشی افیون می‌نویسد: «مخدر دارویی بسیار سرد مزاج است و به حدی اندام‌ها را سرد می‌کند که گوهر روح حامل نیرو و حس و حرکت در مزاج آن اندام سرد می‌گردد و گوهرش غلیظ می‌شود و قوای نفسانی نمی‌تواند از آن استفاده کند» (۲).

در دوره صفوی نیز اعتقاد به تأثیر شگفت‌انگیز افیون و کوکنار همین بس که آن را گاهی داروی بیهوشی می‌خوانده‌اند و منابع بر جنبه درمانی این ماده اشاره کرده‌اند. چنانچه خاصیت

چاره وارستگی از خلق ترک صحبت است
قطع افیون را علاجی بهتر از تقلیل نیست
به کم کردن توان از دست افیون جان به در برد
ببر پیوند از خلق جهان آهسته آهسته (۷)

۲-۲-۲. مذمت مصرف افیون: با توجه به شیوع گسترده مصرف افیون و کوکنار در این دوره شاعران در اشعار خود به نکوهش این مواد پرداخته و انزجار و بیزاری خود را از آن نشان داده‌اند. رکن‌الدین مسیح کاشانی (۱۰۶۶-۹۸۵ ق.) مشهور به «حکیم رکن»، پزشک و شاعر ایرانی دوره صفوی و از شاعران دربار حکومت گورکانیان هند در مذمت افیون سروده است:

افیون که ظلمت به سر آمد ز دیدنش
عمر دوباره یافتهم از بریدنش
عمر مسیح و خضر ز افیون رود به باد
خاری است این و مرگ نهان در خلیدش (۲۲)

۳. تریاک و خشخاش: تریاک یا معرب آن تریاق به معنی پادزهر یا پازهر یا ضد زهر بوده و به معنی شوینده زهر که از آن داروهای گوناگون ساخته شده است (۲۳). پزشکان ایرانی چون ابوعلی سینا و رازی تریاک را می‌شناخته و آن را به عنوان مسکن قوی تجویز می‌کردند (۲۴).

خشخاش نیز گیاهی است علفی و یک‌ساله و میوه آن به شکل استوانه شکم‌دار و حاوی صدها دانه ریز خشخاش است که در فارسی «گرز» می‌نامند (۲، ۲۴). اغلب محققان خاستگاه گیاه خشخاش را مصر و پیدایش تریاک را در آن سرزمین دانسته‌اند (۲۳). شاردن از سفرنامه‌نویسان دوره صفوی به توصیف گیاه خشخاش و نحوه گرفتن تریاک از آن پرداخته است (۱، ۲۶). در ابیات زیر نیز صائب تبریزی به تهیه تریاک از خشخاش چنین اشاره دارد:

تلخی بنه از سر که ندارد خطر از تیغ
آن قبه خشخاش که تریاک ندارد
شقایق حقه تریاک تا گردید دانستم
که افیونی کند آخر خمار می شرابی را (۷)

شیوع این ماده در عهد صفوی تا به حدی بوده که شاردن می‌گوید: «به تقریب می‌توان گفت که از هر ده نفر فقط یک نفر از این زهر جان‌شکار بر کنار مانده است» (۱). راوندی نیز در این باره نوشته است: «بسیاری از مردم مخصوصاً شاهزادگان و سران دولت و سرداران سپاه و درباریان به خوردن این سم جانکاه معتاد بودند و هر یک مثل سیگاری‌های امروزی همیشه تریاک‌دان جواهرنشانی در جیب داشتند» (۲۷). صائب تبریزی نیز به کشت تریاک در اصفهان اشاره کرده است:

ندارد حاصلی جز قبض خاطر خاک اصفهان
نباشد بست در خاکی که از او تریاک برخیزد (۷)

استعمال تریاک به شکل کنونی، نه به عنوان پادزهر گویا از روزگار صفویان در ایران مرسوم شده است. تا قبل از این پادزهر ساخته از داروهای گوناگون را تریاک و شیره خشخاش را افیون می‌گفتند، ولی چون بخش اساسی آن تریاک بود، با گذشت زمان این دو کلمه مترادف هم پنداشته شد (۲۸).

در متون پزشکی و سفرنامه‌های قرن یازدهم هم دو واژه افیون و تریاک به جای یک دیگر به کار می‌رفته‌اند، حتی در فرهنگ فارسی برهان قاطع که در میانه عصر صفوی تنظیم شده، در چند جا به یکی‌بودن افیون و تریاک اشاره کرده است: «ایپون بر وزن و معنی افیون است که تریاک باشد» (۲۵). نویسنده فرهنگ مجمع‌الفرس که پیش از برهان قاطع به نگارش درآمده، این‌گونه استدلال می‌کند که چون افیون هم مانند تریاک دافع زهرهاست در این ایام به آن تریاک می‌گویند (۲۹)، اما و پس از این دوره به طور کلی واژه تریاک جای افیون را گرفت (۳۰).

۳-۱. دلایل گرایش مردم به تریاک و خشخاش

۳-۱-۱. درمان درد و پادزهر: از تریاک و خشخاش برای طبابت و درمان با خاصیت ضد درد و پادزهر هم استفاده می‌شده است. بوعلی در کتاب قانون به اثر ضد درد تریاک و افیون به تنهایی یا در ترکیب با سایر داروها برای تسکین سردرد، درد مفاصل، درد گوش، درد دندان، درد کلیه و مثانه، سوزش و تکرار ادرار و درد زایمان اشاره و روش تجویز تریاک

برای هر دردی را به تفصیل ذکر نموده است (۲). همچنین وی از تریاک به عنوان پادزهر نیش‌زدگی یا گزیدگی جانوران سمی نام برده است (۲). در دوره صفوی نیز از جوشاندن غوره خشخاش و ترکیب آن با عسل، دارویی به نام «نعوق» می‌ساختند، این دارو به شکل آب نبات تهیه می‌شده و برای درمان سرفه و گرفتن رطوبت از بدن و شش‌ها و برای درمان اسهال مزمن مفید بوده است (۳۱). در ابیات زیر کاربرد درمانی این گیاه توسط طالب آملی (۱۰۳۶-۹۹۴ ق.) این چنین بیان شده است:

کند عزم غارتت حسود تو
چو آنک به خشخاشی زار اوفتد کوکناری (۱۳)

دوستگانی به حریفان سحرخیز دهند
چاره علت مخمور به تریاک انداز (۳۲)

وحشی بافقی (۹۳۹-۹۹۱ ق.) یکی از شاعران نامدار سده دهم قمری ایران است، تریاک را به عنوان یک پادزهر برای درمان نیش مار دانسته و اشاره کرده است:

گزند دیده تومار جرم را تو علاج
چنانکه علت افعی‌گزیده را تریاک (۳۳)

شاید یکی از دلایل منطقی برای استفاده از مقادیر بالای تریاک در زمان صفویان و شیوع گسترده آن در این عصر به دلیل در دسترس نبودن داروهای ضد درد امروزی و در نتیجه وجود مقاومت دارویی به تریاک در میان افراد بوده است؛ از دلایل دیگر می‌توان به میزان خلوص و شیوه فرآوری تریاک و کاشت آن در ایران در آن دوره و تأثیر آن بر خواص درمانی این ماده اشاره نمود.

۳-۱-۲. تهیج ذوق و رفع غم و اندوه: هرچند صرف اولیه خشخاش نشاط و شادی را در فرد ایجاد می‌کرد، اما رفته‌رفته بدن انسان ضعیف و لاغر می‌شد و توان و نیروی اولیه خود را از دست می‌داد (۳). طبق اشاره منابع دوره صفوی اکثر شعرای

در اشعار خود به واژه تریاک و خشخاش اشاره کرده‌اند و یکی از دلایل روی آوردن مردم به آن را تهیج ذوق و رفع غم و اندوه برشمرده‌اند.

آسمان از تلخ‌کامی‌های ما آسوده است
عقده خشخاش را دلگیری از تریاک نیست
عشق را غیرت به کامم زهر قاتل کرده است
تلخی مردن از این تریاک اکبر می‌کشم (۷)

کیت شراب معرفت را ساغی
مسموم را کرده دم‌شش تریاکی
در اول انتعاش می‌ناب روزگار
چین جبین آخر تریاک دیده‌ام (۱۳)

دوری از سایهات به طبع زمین
تبت‌ر از بریدن تریاک (۲۰)

دیگر نشود به هیچ خرسند
خاطر که گفت خو به تریاک (۳۵)

محمدحسین نظیری نیشابوری (متوفی ۱۰۲۱ ق.) از شاعران مؤلف و صاحب سبک تاریخ شعر پارسی دوره صفوی که به دربار امپراتوری گورکانیان هند مهاجرت کرده بود، به رواج تریاک در بین صوفیان در خانقاه برای رسیدن حالات عرفانی و تهیج ذوق هم اشاره کرده و آورده است:

شب از میخانه سوی خانقه رفتم غلط کردم
سحر می‌بایدم از نشئه تریاک برخیزم (۳۲)

زمانی صائب به مقایسه شراب و تریاک می‌پردازد:

صائب آن فیضی که مخموران نیابند از شراب
در طلوع نشعه تریاک می‌بینیم ما (۷)

جای جام باده را تریاک نتواند گرفت
خاک جای آب آشنک را نتواند گرفت
همچو صائب با مفرح سرکن و سرسبز باش

هیچ زهری بهر اهل فکر چون تریاک نیست
 خاک پیش تشنگان هرگز نگیرد جای آب
 چاره مخموری تریاک نتوانست کرد
 غافل مشو چو لاله ز ادراک نشعتهین
 یک کاسه ساز باده و تریاک را به هم (۷)

تریاکي اگر سينه كني صد چاكش
 از دل نرود خبائت امساكش
 چون غنچه تریاك سر افكند به پیش
 سر بر نكند تا نرسد تریاكش (۳۵)

صائب تبریزی نیز در ذم اعتیاد به حشیش و عدم توجه انسان
 عاقل به حشیش در غزلی می‌آورد:

دل به دنیا نگذارد خرد دوراندیش
 نشود برق سبک سیر مقید به حشیش (۳۶)

در جای دیگر شاعر گرفتار اعتیاد این عصاره را شادی‌بخش و
 غم‌گسار می‌داند و در مدح و ستایش آن می‌سراید:

ز دوری می‌شود کیفیت هم‌صحبان ظاهر
 خمارآلود قدر آن نشعه تریاک می‌داند
 نگرده زهر سبز آنجا که تریاک از زمین رویید
 در آن کشور که باشد غمگساری غم کجا ماند؟ (۲۰)

۴. **بنگ و چرس:** بنگ که یک واژه فارسی است، بر ماده
 سبزی اطلاق می‌شود که از برگ شاه‌دانه و سیکران یا بزر
 البنج می‌گیرند و در اوستا به صورت «بنگه»، یعنی مخدر و
 مستی‌دهنده به کار رفته و هم‌ریشه است با واژه سانسکریتی
 «بهنگا» و همین کلمه است که در عربی به صورت «بنج»
 پذیرفته شده است (۱۳).

در ذخیره خوارزمشاهی درباره این ماده می‌خوانیم: «بنج نباتی
 است معروف، او را به زبان فارسی فنک گویند. سه نوع است
 که هر نوع را تخمی است. بعضی سفید است، بعضی سیاه و
 بعضی سرخ و اندر طب جز سیاه و سفید به کار نرود» (۳۷)،
 هرچند که فریدون پیشدادی را کاشف بسیاری از داروهای
 گیاهی به طور ویژه کاشف تریاق بزرگ دانسته‌اند، اما سابقه
 کاربرد مخدرات به ویژه بنگ بسیار کهن‌تر از روزگار فریدون و
 حتی آن‌سوتر از روزگار پیدایش مردمان بوده است و خارج از
 جهان دیگر آفریدگان است، حتی گفته‌اند که اهریمنان نیز
 بنگ به کار می‌بردند (۱۰). پورداوود نیز در این ارتباط
 می‌نویسد: «از اوستا و نامه‌های پهلوی پیدا است که این گیاه
 را اهریمنی می‌دانستند» (۳۲).

مصرف بنگ در دوره صفویان چنان سبب بی‌آبرویی بود که گاه
 از آن به عنوان تهمت سیاسی بهره می‌بردند. اسکندریگ
 ترکمان مورخ رسمی دربار صفویه هرگاه از شورش قلندران و
 دراویش بر ضد حکومت مرکزی یاد می‌کند، تهمت «بنگی
 بودن» را بر این گروه وارد می‌آورد، مثلاً در شرح وقایع زمان

۲-۳. واکنش منفی شاعران به تریاک و خشخاش: اگرچه

شاعران این عصر در استعمال و استفاده از تریاک و خشخاش
 به قصد تحریک و تهییج ذوق خود راه مبالغه را پیش گرفتند
 و در نتیجه این خبط خود بدان مواد گرفتار شدند، لیکن در
 اشعار خود به نکوهش این مواد پرداخته و انزجار و بی‌زاری خود
 را نشان داده‌اند. همچنین بوعلی به صراحت تأکید کرده است
 که مصرف مقادیر زیاد افیون همراه با مصرف فراوان مشروب
 ضمن تشدید اثر ضد درد و آرام‌بخشی، می‌تواند به مرگ
 بینجامد (۲).

از جمله مسیح کاشانی (۱۰۶۶-۹۸۵ ق.) در مذمت تریاک و
 خشخاش سروده است:

خوش دایه‌ایست دانه خشخاش سبزرنگ
 زهر است زهار، شیر ز پستان چکیدنش
 تو طفل شیرخواری و خشخاش کوکنار
 پستان بود و لیکن باید مکیدنش
 هیچ آفریده را نکنی ظلمتش نصیب
 ای آفریدگار بس است آفریدنش (۲۲)

رضی‌الدین آرتیمانی (۱۰۳۷-۹۷۸ ق.) مشهور به میرمحمد
 متخلص به «رضی»، از شاعران و عارفان مشهور دوران صفوی،
 نیز در رباعی زیر تریاکیان را نکوهش می‌کند:

شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ ق.) با ترکان عثمانی است و به سبک و شیوه موش و گربه عبید زاکانی به زبان ترکی ترتیب یافته است. در این اثر باده نماد شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ ق.) صفوی است که دلیر و جسور و بی‌باک است و بنگ نماد سلطان بایزید اول (۸۰۵-۷۵۵ ق.) عثمانی است که فردی سست عنصر و بی‌اراده تصویر می‌شود (۲۹).

۴-۱. دلایل گرایش به بنگ و چرس

۴-۱-۱. تهییج ذوق شاعری: یکی از تأثیرات مصرف بنگ و چرس در دوره صفوی که از نگاه شاعران این دوره به دور نمانده، احساس نشاط کاذب است.

در دوره صفوی علاوه بر عموم مردم در بین شاعران این عهد کسانی هم بودند که به هوای تهییج قوه مخیله و ذوق شاعری در استعمال این مخدر زیاده‌روی می‌نمودند. چنانکه درباره میرزا جلال اسیر (۱۰۴۹-۱۰۲۹ ق.) از شعرای بزرگ فارسی‌سرای سبک هندی اهل اصفهان قرن یازدهم قمری گفته‌اند که چنان گرفتار بنگ‌خواری بود که گاه کارش به پریشان‌گویی می‌کشید. او چنان در این گناه زیانزد بود که مورد استهزای دیگران قرار می‌گرفت، مثلاً لطف‌علی بیگ افشار (متولد ۱۱۳۴ ق.) نویسنده و شاعر معروف عهد افشاریه و زندیه در قسمیه خود به بنگ‌خواری او قسم می‌خورد و می‌سراید:

به سلطان‌علی بیگ و جام میش

به بنگ جلالی و آب ویش (۱۰)

۴-۱-۲. رفع غم و ایجاد شادمانی کوتاه: خاصیت

آرامش‌بخشی بنگ و چرس و از جمله داشتن خیالات واهی، شادی، خشم و بی‌خبری از خود، از مهم‌ترین تأثیرات جنون‌باری بود که چرس و بنگ بر بدن می‌گذاشت (۱۱)، لذا در این دوره مردم بدون آگاهی از عوارض آشفته‌گی احساسات و ذهن برای رفع مشکلات، ساعتی با مصرف آن ذهن خود را فارغ می‌کردند. میرزا جلال‌الدین اصفهانی (متوفی ۱۰۲۸ ق.) درباره بنگ چنین گوید:

سلطنت سلطان محمد خدابنده از شورش شخصی در کهگیلویه به نام اسماعیل میرزا که در کسوت قلندری و درویشی بوده است، سخن می‌گوید و بارها وی را در کلام خود «بنگی» می‌خواند (۶). فرمان منع مصرف بنگ در فرمانی که بر روی سنگ‌ها کنده شده و در مساجد جامع اطلاع‌رسانی عمومی نصب شده است، به طوری که در مسجد جامع کاشان، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل و مسجد جامع اصفهان این فرامین تاکنون حفظ شده است (۴۰-۴۱).

واژه «معجون‌فروشی» که در این فرمان‌ها و برخی متون تاریخی آمده است، به ترکیب‌هایی که در آن‌ها علاوه بر افیون، موادی نظیر شراب یا بنگ اضافه شده بود، اشاره می‌کند (۴۲). منع این نوع ترکیب‌ها به خاطر حرمت شرعی آن‌ها بود. در متون فقهی بنگ و سایر مشتقات گیاه شاهدانه به صراحت تحریم شده است (۳۵-۴۸).

از گفتار سفرنامه‌نویسان اروپایی چنان برمی‌آید که چرس نیز از مواد مورد علاقه ایرانیان در این دوره بوده است. چرس ساقه سقزی و مخدری بود که از برگ کنب می‌گرفتند و درویشان آن را با توتون و تنباکو مخلوط کرده، در چپق و یا سرقلیان گذاشته، جهت کیف می‌کشیدند (۱۳). تاورنیه کامل‌ترین توضیحات را درباره چرس در اثر خود آورده است: «ازبکان از اندک زمانی پیش، طریقه کشیدن این ماده را به مانند تنباکو در ایران معمول کردند. این گیاه، گل و به عبارت دقیق‌تر رشته‌های ظریف پنبه‌ای‌شکل است که روی بوته‌های مزرعه شاهدانه یافت می‌شود. از عوارض مصرف این ماده مخدر یکی هم آن است که در مغز فرد خیالات واهی ایجاد می‌کند و گاهی او را شاد و گاهی خشمگین می‌نماید، کسانی که آن را مصرف می‌کنند، تا دو سه ساعت از خود بی‌خود می‌شوند» (۱۱). شاردن معتقد است در بیشتر مناطق ایران مخصوصاً در شوش و همدان و در اطراف کرمان و نواحی مجاور خلیج فارس نوع مرطوب آن تولید می‌شد (۱۷). شایان ذکر است که مولانا محمد فضولی بغدادی (۹۹۰-۹۱۰ ق.)، از شعرا و اندیشمندان شیعه دوره صفوی، نیز یک مثنوی به نام بنگ و باده دارد که نوعی تمثیل سیاسی تاریخی درباره جنگ

در وقت خمار چو یزیدم

بنگم چو رسید بایزیدم (۸)

شاعران این دوره نمونه‌های متعددی موجود است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

صائب تبریزی لذت از خود بی‌خودشدن در مسیر لایزال الهی را بالاتر از کیف و سرخوشی مصرف بنگ و افیون و شراب می‌داند و در غزلی می‌آورد:

هر که چون صائب ز عشق لایزالی مست شد
منت کیف از شراب و بنگ و افیون برنتافت (۷)

افراط بنگ عالم حیرانی آورد
حیرانی و هزار پریشانی آورد
اول بررد ز عالم انسانیت برون
آخر تو را به نشعه حیوانی آورد
ناصر مگو که بنگ خور و ترک باده گیر
کاری چرا کنم که پشیمانی آورد (۴۴)

ماتم و سور این جهان خراب
گریه مست و خنده بنگی است (۸)

برخی محققان نوشته‌اند شاه‌طهماسب که دارای طبع شعر بود، به مصرف بنگ و چرس اعترا ف کرده و مردم را به ترک آن تشویق نموده و از اینکه خود مصرف آن را ترک کرده، اظهار شادمانی می‌نماید:

یک چند به یاقوت‌تر آلوده شدیم
یک چند پی زمرد سوده شدیم
آلودگی بود به هر نحو که بود
شستیم به آب توبه آسوده شدیم (۴۶)

در این ابیات منظور شاعر از یاقوت‌تر، شراب است و زمرد سوده، استعاره از بنگ است که ماده سبز رنگ گرده‌های شاهدانه می‌باشد.

۵. **توتون، تنباکو و قلیان:** تنباکو گیاه آمریکایی در میهن بومی خود از گیاهان مقدس به شمار می‌رفت و آن را با نام پتون (Petun) می‌ستودند و از بخشش‌های آسمانی می‌دانستند (۱۹). بعد از کشف آمریکا این گیاه به قاره اروپا راه یافت، به

۳-۱-۴. **خواب‌آوردن:** در قانون بوعلی سینا به استفاده استنشاقی از بنگ و افیون به عنوان یک داروی خواب‌آور اشاره شده است (۴۶)، چراکه وجود استیل کولین (Acetylcholine) در مغز برای بیدارماندن و عملکرد شناختی الزامی است و داروهای افیونی مانند بنگ با واسطه گیرنده‌های مو و کاپا در کلیه نقاط مغز از جمله در کورتکس جلوی پیشانی خاصیت آنتی کولینرژیکی دارند و کاهش آزادسازی استیل کولین در این نواحی سطح هوشیاری را کاهش داده و ایجاد خواب آلودگی می‌کند (۴۱). بر این اساس، در دوره صفوی نیز از این مواد مخدر به عنوان داروی خواب‌آور نیز استفاده می‌شد. کلیم همدانی (۱۰۶۱-۹۹۰ ق.) شاعر بزرگ قرن یازدهم قمری به خواب‌آوردن مصرف بنگ و چرس اشاره کرده و معتقد است کسی که بنگ مصرف می‌کند در هر لحظه چرت می‌زند:

بنگی عربی سوار جمازه چرت
از خویش سفر کند به اندازه چرت
هرگز نگسیخت چرتش از چرت دگر
که بسته است به تار مژه شیرازه چرت (۲۰)

۴-۲. واکنش شاعران به بنگ و چرس

۴-۲-۱. **نکوهش مصرف بنگ و چرس:** بنگ و چرس با توجه به اینکه مستقیماً از یک گیاه و شیره آن فرآوری می‌شود و آثار تخریری دارد، سازوکار اثر آن از طریق افزایش ترشح انتقال‌دهنده‌های عصبی که واجد آثار لذت‌بخش است، ظاهر می‌گردد. این انتقال‌دهنده‌های عصبی بر گیرنده‌های میو، کاپا و سیگما تأثیر دارد. بنگ و چرس هم از جمله مواد مخدری هستند که الگوی اعتیاد سخت و شدید دارند (۵۶)، چراکه همانطور که اشاره شد، این مواد دارای ویژگی‌های توهم‌زا هستند و علما و دربار صفوی نیز منع مصرف آن را در دوره صفوی اعلام کردند (۴۶، ۴۰، ۴۵، ۳۲). بر این اساس، در نکوهش بنگ و چرس هم مانند دیگر مواد مخدر در شعر

طوری که سده هفدهم در اروپا را دوره رواج «دودکشی» و تنباکو نامگذاری کردند. در این سده دودکشی از اروپا به آسیا و آفریقا نیز گسترش یافت (۳۹، ۱۹). با آنکه در همه جا دولت‌ها با مصرف آن مخالف بودند و کشیشان دودکشان را بی‌دین می‌خواندند و در همه جا بند و زندان و کیفرهای سختی بر مصرف‌کنندگان تنباکو به کار می‌رفت، لیکن رواج آن روزافزون شده بود. این مواد تا قبل از دوره صفویه در ایران رونق و رواجی نداشته و به کمک پرتغالی‌ها تنباکو از جنوب ایران به کشور ما راه یافت (۹۹۹ ق.) و از این زمان کشیدن قلیان در میان ایرانیان به صورت یک سنت لازم و واجب درآمد (۷).

کشیدن توتون و تنباکو در نیمه اول قرن دهم قمری در ایران متداول شده بود. کشت تنباکو هم ظاهراً در سال‌های نخست سده یازدهم در ایران مرسوم گشته است (۴۲). تاورنیه در سفرنامه‌اش در این باره نوشته است: «ایرانی‌ها، زن و مرد به طوری از جوانی عادت به کشیدن تنباکو کرده‌اند که کاسبی که باید روزی ۵ شاهی خرج کند، ۳ شاهی آن را به مصرف تنباکو می‌رساند. می‌گویند اگر تنباکو نمی‌داشتیم چطور ممکن بود کیف و دماغ داشته باشیم» (۱۵). او همچنین می‌افزاید: «ایرانیان تنباکو را با دستگاه کاملاً اختصاصی می‌کشند. در کوزه گلی دهان گشادی به قطر سه انگشت تنه‌ای قلیانی از چوب یا نقره که سوراخی در وسط قرار می‌دهند و بر سر آن مقداری تنباکوی نمدار با کمی آتش می‌کشند. دود تنباکو با شدت از امتداد سوراخ پایین آمده و داخل آب که به رنگ‌های مختلف می‌آمیزند، داخل می‌شود. این کوزه تقریباً تا نصف آب دارد. دودی که در آب است، به سطح می‌آید و هنگامی که نفس می‌کشند از نی قلیان دود به دهان وارد می‌شود. به واسطه آبی که در قلیان می‌ریزند، دود تنباکو تصفیه می‌شود و کمتر ضرر می‌رساند و آلاً با این همه قلیانی که می‌کشند، مقاومت برای آن‌ها غیر ممکن بود» (۱۵).

شاردن نیز درباره شیوع و همه‌گیربودن قلیان‌کشی در بین ایرانیان می‌گوید: «اگر به مدارس پا بگذارید، می‌بینید استاد و شاگرد همچنان که با دقت و مواظبت تمام درس می‌دهند و

۵-۱. دلایل گرایش مردم به تنباکو و قلیان

۵-۱-۱. ترک می‌خواری: یکی از دلایل گرایش مردم به تنباکو و قلیان در دوره صفوی، ممنوعیت مصرف مواد مخدر توسط شاهان صفوی بود. چنانچه شاه‌طهماسب در سال ۹۳۹ قمری طی فرمانی برای هماهنگ‌نمودن سیاست و فقه، مصرف تمامی مسکرات و مواد مخدر را ممنوع کرد (۴۷، ۱۸). اما در میان شاعران این عصر نظرات متفاوت و مختلفی درباره علل مصرف تنباکو و قلیان‌کشیدن وجود دارد، مثلاً صائب تبریزی که از عاشقان تنباکو بوده در باب علل روی آوردن به تنباکو و قلیان خود را ترک می‌خواری می‌داند و در غزلی چنین می‌آورد:

شستم لب پیاله از آب شراب تلخ
کردم به دود قناعت ز آب تلخ (۷)

۵-۱-۲. تفنن و سرگرمی: سفرنامه‌نویسان و مورخان دوره صفوی معتقدند ایرانیان در این دوره از تنباکو قلیان بیشتر جهت تفنن و سرگرمی استفاده می‌کردند، اگرچه بعضی از مواد مخدر، از جمله تریاک در بعضی موارد جنبه دارویی داشتند، اما باید اذعان نمود که جنبه تفنن و سرگرمی تنباکو یکی از مهم‌ترین علل همه‌گیری اجتماعی این مواد در بین ایرانیان دوره صفوی بود (۱۵، ۱). بر این اساس، اهلی شیرازی (۹۴۲-۸۵۸ ق.) یکی از شاعران این دوره، از علاقه خود به قلیان و مصرف تفننی قلیان می‌گوید و دود تنباکو را به ابری که اطراف انسان را فرا می‌گیرد، تشبیه کرده است و در این باره چنین بیان می‌کند:

قلیان ز لب تو بهره‌ور می‌گردد
نی در دهن تو نیشکر می‌گردد
بر گرد رخ تو دود تنباکو نیست
ابری‌ست که بر گرد قمر می‌گردد (۴۹)

اهلی شیرازی (۹۴۲-۸۵۸ ق.). شاعر قرن نهم و دهم قمری در غزلی ضمن اشاره به ابتلای خود قلیان و تنباکو و افسوس از این بابت، به ناتوانی خود در ترک این ماده اقرار می‌کند:

نیست چون صبح تو را جز نفسی معدودی
چه کنی چون دل هر شب تیره‌اش از هر دودی
نیست سرایه عمر تو به جز یک دو سه دم
چه کنی صرف به دودی که ندارد سودی
دود اگر زلف عیاز است به ابر پیوندش
حیف باشد که به زنجیر بود محمودی
چون سیاوش گذشتند ز آتش مردان
ما به همت نتوانیم گذشت از دودی
عیش خود تلخ مکن صائب از این دود کثیف
گر به آتش نگذاری به تکلف دودی (۲۸)

طرزی افشار (متوفی ۱۰۶۰ ق.). نیز به انتقاد از قلیان کشیدن مردم و خود پرداخته و آورده است:

عاقلم عاقل و فرزانه نمی‌غلیانم
نیستم ابله و دیوانه نمی‌غلیانم
بوی زشتی که در این دود کثیف است نصیب
می‌کشم ساغر و پیمانه نمی‌غلیانم
بنده شاه شهبان و شه طرزم طرزی
نیست چون شیوه شاهانه نمی‌غلیانم (۳۴)

نظیری نیشابوری نیز کسی که قلیان و تنباکو مصرف می‌کند را به انسان آواره‌ای تشبیه می‌کند که در شهر خود آواره شده و همیشه دنبال یک آتش‌پاره‌ای به نام قلیان است:

نی سنبل تنباکویی نه آتش رخاره‌ای
دل بوی خامی می‌دهد، بیروی آتش پاره‌ای

در نخل تنباکو نگر، صوفی شده باز آمده
در کوی خود سرگشته‌ای در شهر خود آواره‌ای
چون بید مجنون هر طرف افکنده از سر طره‌ای
چون دلق سالک هر کجا افکنده از بر پاره‌ای (۳۲)

۵-۱-۳. رفع غم و اندوه: مواد مخدر، از جمله تنباکو، از آنجایی که مراکز احساس و تخیل‌زای مغز را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نوعی لذت و احساس شادی کاذب را به مصرف‌کننده القا می‌کند، مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد. همچنین به بیان دیگر نیکوتین از محرک‌ها در مغز به شمار می‌رود و «قسمت‌هایی از قشر مغز را برانگیخته می‌کند و اثراتی را بر رفتار انسان دارد» (۳۹)، لذا این عوامل موجب جذب مردم به این مواد مخدر برای رفع غم و اندوه می‌شود.

رضی‌الدین آرتیمانی برای رفع غم و اندوه روی به آوردن به تنباکو را تشویق می‌کند و در این باره غزلی می‌آورد:

ای آن که تو را بسی غم تنباکوست
خوش باش که هر خار و خسی تنباکوست
اوقات تمام تیره و تلخ گذشت
گویا همه عمرت، نفسی تنباکوست (۳۵)

۵-۲. واکنش منفی شاعران به تنباکو و قلیان

۵-۲-۱. نکوهش استعمال تنباکو و قلیان: در بین شاعران این عهد کسانی هم بودند که هم‌نوا با علمای شرع استعمال قلیان و تنباکو را منع و نکوهش می‌نمودند، مثلاً صائب تبریزی که در سطور پیشین از علاقه‌اش به قلیان‌کشی مواردی ذکر گردید گویا چندی بعد، از مضرات آن آگاه شده و غزلی در مذمت آن می‌سراید:

قلیان به کف ندارد جز اشک و آه چیزی
تا کی به اشک جوشی تا کی به آه سازی (۷)

تنباکو چیست؟ آفت برگه امید
گلخن به از آن گلو که آن دود کشید
از تنباکو نفع اگر توان داشت گمان
از دود اگر خانه توان کرد سپید (۱۰)

علاوه بر این اشعار دیگری از طرزی افشار (متوفی ۱۰۶۰ ق.)، شاعر دوره شاه‌عباس دوم صفوی (۱۰۷۷-۱۰۳۸ ق.) در رد و ذم استعمال تنباکو به جا مانده که با چند نکته تاریخی همراه است:

قلیان از عمل شیطان است
هست از ارجاس، متنباکوید
آبش از فسطرط تعفن دارد
حکم انجاس، متنباکوید
قلیان نیست که از علت دود
ایده آماس، متنباکوید
از ره عقل و خرد می‌منعید
شاه‌عباس، متنباکوید
غافل از حادثه یوم دخان
زیر این طاس، متنباکوید (۳۴)

نفع‌بردن از آن را بمانند از دود سیاه خانه سپید کردن محال‌تر می‌داند (۱۰). کلیم همدانی هم از شاعران معروف این دوره در تصاویرش از این مواد خانمان‌برانداز استفاده کرده، می‌گوید: دوری از سایه ممدوح سخت‌تر و صعب‌تر از بریدن تریاک و تنباکو است (۲۰). علاوه بر شعرا، علمای این دوره نیز به منع مصرف تنباکو و قلیان تأکید کرده‌اند. چنانچه شیخ علی‌نقی کمره‌ای از علمای معروف این عصر کتابی با نام «فی حرمة توتون و شرب‌الدخان» در حرمت قلیان نوشته است. از آنجایی که قهوه‌خانه‌ها در این عصر اوقات فراغت مردم را پر می‌کردند و به رقیبی برای مسجد و مدرسه تبدیل شده بودند، علما گاهی واکنش منفی در قبال آن داشتند. به عنوان مثال ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۵۸-۹۷۷ ق.) که از علما و عرفای این عصر است، در ذم قهوه و قلیان آورده است:

می‌رودش دل به سیر قهوه و قلیون و غیر
یک دمش آرام نیست صد هوش گشته یار
عار ندانند و ننگ، عار بود کار تنگ
تنگ مکن کار را، دست ز عادت بدار
قهوه و قلیون بمان، ذوق ز معنی ستان
تا بودت خرج کم، دخل شود بی‌شمار
راه خدا پیش گیر عشق خدا کیش گیر
ترک سر خویش گیر، در ره او جان سپار (۵۰)

چنانکه از این غزل برمی‌آید اولاً شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق.) با تنباکو مخالف بود و آن را منع می‌کرد؛ دوم اینکه او کشیدن قلیان را حرام می‌دانست و مخاطبانش را انداز می‌داد که از روز قیامت بترسید و از قلیان که عمل شیطان است و آب آن نیز نجس است، پرهیز کنید (۳۹). محمدسعید سرمد کاشی (۱۰۷۱-۹۹۸ ق.) از شاعران فارسی‌زبان سده یازدهم قمری، نیز تنباکو را آفت برگ امید می‌داند و گلخن را از گلویی که چنین دودی می‌کشد، بهتر می‌داند. او گمان

جدول ۱: بسامد مواد مخدر در آثار شاعران مورد بررسی

عنوان	جمع	محمد آرتیمانی	طالب آملی	صائب تبریزی	طرزی افشار	عرفی شیرازی	نظیری نیشابوری	کلیم همدانی	صفی اصفهانی	مسیح کاشانی	فیض کاشانی	اهلی شیرازی	وحشی بافقی
افیون	۱۲	-	۴	-	-	۲	-	۲	-	۲	-	-	۲
کونار	۵	-	۱	-	-	-	-	۲	-	۲	-	-	-
تریاک	۲۶	۴	۱	۱۳	-	-	۳	۱	-	-	-	-	۴
خشخاش	۷	-	۱	۲	-	-	-	-	-	۴	-	-	-
بنگ	۳	-	-	۱	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-
تنباکو	۱۹	۳	-	۱	۱۰	-	۲	۲	-	-	-	۱	-
قلیان	۱۳	-	-	۳	۶	-	-	-	-	-	۳	۱	-
جمع	۸۵	۷	۷	۲۰	۱۶	۲	۵	۸	۱	۸	۳	۲	۶

از استعمال آن بهره‌یزند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت فراوانی اصطلاحات مربوط به مواد مخدر در اشعار شاعران این دوره و انعکاس نحوه تهیه و استفاده این مواد در اشعار و بالاخره نکوش مبتلایان به این بلایا و ارائه پیشنهادهای مختلف جهت ترک اعتیاد، خود حاکی از شدت رواج مواد مخدر در بین مردم این روزگار است.

مشارکت نویسندگان

هادی بیاتی: ارائه ایده اولیه، جستجوی منابع، گردآوری و دسته‌بندی اطلاعات استخراج‌شده و تحلیل داده‌ها. محسن رستمی: جمع‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها، ویرایش، اصلاح و تصویب نهایی. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر رسول جعفریان رییس کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران به واسطه ارائه کتب دست اول اعلام می‌دارند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

توضیح: در آثار شاعران مورد بررسی انواع مواد مخدر اعتیادآور دوره صفوی ۸۵ بار نام برده شده است که تریاک و تنباکو بیشترین و کوکنار و بنگ کمترین بسامد را دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی آثار تعدادی از مهم‌ترین شعرای این دوره که بیشترین بسامد توجه به مواد مخدر داشته‌اند و یا خود به نوعی درگیر اعتیاد به مواد مخدر بودند، نتایج فوق حاصل شد؛ مصرف مواد اعتیادآوری چون افیون، کوکنار، تریاک، خشخاش، بنگ و تنباکو، ۸۵ بار در اشعار شاعران این دوره تکرار شده است که تریاک و تنباکو با بیشترین مصرف و رواج و کوکنار و بنگ با کمترین مصرف را در دوره صفوی نشان می‌دهد. از دیدگاه شاعران دوره صفوی عوامل و دلایل مختلفی در استعمال مواد مخدر دخالت داشت. چنانچه استعمال انواع مواد مخدر در این دوره در آغاز برای استفاده‌های درمانی و نوعی تفنن و جهت غم‌گساری و شادمانی بوده، لیکن به تدریج با ایجاد وابستگی و بروز عوارض ناشی از آن چون سستی، رخوت، بی‌خیالی نسبت به امور مربوط به معاش و زندگی و دنیا خود را به صورت یک معضل جدی نشان داد. تا بدانجا که جهت مهار آن بارها از سوی حکومت و علما فرمان منع و تحریم استعمال مخدرات صادر گردید و شعرای این زمان نیز که خود از مبتلایان بودند در اشعار خود ضمن برشمردن مضرات این مواد به نکوش آن‌ها و دعوت به ترک مواد مخدر پرداختند، اما عده‌ای از این شاعران از قبیل طالب آملی، میرزا جلال اسیر، ملافهمی رشتی و دیگران هستی و نیستی خود را بر سر مصرف این مواد به باد فنا دادند، اما در این میان از علل ناکارآمدی شاهان صفوی در کنترل مصرف و تولید مواد مخدر عواملی مانند مصرف این مواد از سوی درباریان و شاهان یا نبودن یا کمبود احکام اسلامی درباره حرام‌بودن مصرف مواد را می‌توان نام برد، لذا خوگیری مردم به مواد مخدر از نگاه فقهی، حکومتی و عرفی یک امر ناخوشایند و ناپسند بوده است. با این حال، به خاطر ایجاد وابستگی و اعتیاد بیشتر مردم در این دوره نمی‌توانستند

References

1. Emad al-Din Shirazi M. Opioid Treatise. Researchers Choupani R, Sadeghpour O, Panahi V. Tehran: Al-Ma'I; 2008. p.28-34. [Persian]
2. Parsadoost M. Shah Ismail I (Kingdom with lasting effects in Iran and Iran). Tehran: Sahami Publishing Company; 1996. Ch.1 p.769. [Persian]
3. Philosopher N. The life of Shah Abbas I (his physical, mental, moral and taste characteristics). Tehran: University of Tehran; 1968. Vol.2 p.657-658. [Persian]
4. Tarzi Afshar M. The book of poems. Corrected by Tamdan M. Rezaieh: Tamdan Press; 1930. p.174-175. [Persian]
5. Nasrabadi M. Nasrabadi Taskereh. Corrected by Naji Nasrabadi M. Tehran: Asatir Publications; 1999. p.33, 37, 311, 441, 593. [Persian]
6. Safa Z. History of literature in Iran. Tehran: Ferdous Publications; 1985. Ch.1 Vol.5 p.125, 698. [Persian]
7. Araf Shirazi V. Generalities of Shirazi. Efforted by Wali al-Haq Ansari M. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 1999. Qasayed.31 Ghazal.767. [Persian]
8. Burhan M. Farhang Farhan Burhan Khattar. Tehran: Afrasiab Publications; 2010. p.48-49, 81, 182, 240. [Persian]
9. Jurjani L. Khawarizmshahi Repository. Efforted by Danesh Pajoh MT, Afshar I. Tehran: University of Tehran; 1965. p.615. [Persian]
10. Ameli T. Koliat Diwan Malik al-Shaara Talib Amoli. Revised and Updated by Taheri Shahab SM. Chapter 1, Tehran: Sanai Library; 1967. Ch.1 p.18, 91, 123, 139, 148, 158, 200, 912, 981. [Persian]
11. Tavernier J. Tavernier's travelogue. Translated by Nouri A. Tehran: Sanai Library; 1984. Ch.3 p.311-312. [Persian]
12. Tabesh Y, Aghajari H, Hosni A. The effect of Shah Tahmasab's order of intoxicant ban on opium consumption in the first period of Safavid era. Quarterly of the history of Islam and Iran, Al-Zahra University. 2019; 33(123): 1-39. [Persian]
13. Faiz Kashani M. Keliat. Qom: Aswah Publications; 2012. p.289-291. [Persian]
14. Noorian M, Toghyani A, Tahmasbi F. The reflection of the phenomenon of addiction in Saeb's poetry. Isfahan Faculty of Literature and Humanities Magazine. 2014; 2(41): 167-184. [Persian]
15. Araf Shirazi V. Generalities of Shirazi. Efforted by Wali al-Haq Ansari M. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 1999. Qasayed.31 Ghazal.767. [Persian]
16. Artimani M. Diwan Razi al-Din Artimani. Edited by Emami MA. Tehran: Khayyam Bookstore; 1982. p.136, 138, 162. [Persian]
17. Fazuli Baghdadi H. Bang and Badeh. Revised and Revised by Mohammadzadeh Sediq H. Tehran: Sahand and Ceylon Institute of Science; 2019. Ch.1. [Persian]
18. Majlisi M. Hudud Qasas and Dayat. Qom: Al-Nashar al-Aqti al-Islamiya Institute; No Date. p.32. [Persian]
19. Anousheh H. Dictionary of Persian Literature. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1997. Ch.1 p.112. [Persian]
20. Araf Shirazi V. Generalities of Shirazi. Efforted by Wali al-Haq Ansari M. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 1999. Qasayed.31 Ghazal.767. [Persian]
21. Vahshi Bafghi K. Divan Kamel. Edited by Nakhai H. Tehran: Sepehr Printing House; 1978. [Persian]
22. Nikobakht N, Khodiar A, Ahmadi M. Crystallization of coffee house elements in Safavid era poetry. Two Quarterly Journals of Culture and Popular Literature. 2013; 2(4): 120-124. [Persian]
23. Sarvari M. Farhang Majma Al Fars. Tehran: Elmi; 1959. Vol.1 p.306. [Persian]
24. Chardon J. Chardon's travel book. Translated by Abbasi M. Tehran: Amir Kabir Publications; 1956. Vol.2 p.706-709, 847. [Persian]
25. Karang A. Antiquities of Azerbaijan. Tehran: Association of National Art; 1972. Vol.2 p.143-145. [Persian]
26. Purdawood A. Hormazdnameh. Tehran: Iranian Studies Society Publication; 1952. p.94, 116, 193, 200. [Persian]
27. Momeni M, Kajbaf A, Al-Hiari F. Narcotics in Safavid Iran. Journal of Medical Ethics and History. 2009; 3(4): 15-26. [Persian]
28. Aghili Alavi M. Qarabadin Kabir. Tehran: Institute of Medical History Studies, Tehran University of Medical Sciences; 2013. Vol.1 p.666-667. [Persian]
29. Noorian M, Tahmasebi F, Taghiani Esfarjani A. Reflecting the phenomenon of addiction in Saeb's poetry. Isfahan University Faculty of Literature and Human Sciences. 2014; 2(41): 167-184. [Persian]

30. Razi A. Seven climates. Edited by Taheri Hasrat MR. Tehran: Soroush Publications; 1999. Vol.3 p.179. [Persian]
31. Vasheqani Farahani E. Origin of Plants in Iranian Mythology. Journal of the Iranian Studies. 2010; 9(17): 237-262. [Persian]
32. Sheikh Bahai M. Jame Abbasi: Practical treatise. Qom: Theological Seminary Association, Islamic Publications Office; 2016. p.762, 821, 933. [Persian]
33. Kampfer E. Travel book. Translated by Jahandari K. Tehran: Khwarazmi Publications; 1984. p.29. [Persian]
34. Tabesh Y, Aghajari H, Hosni A. The occurrence and prevalence of opium addiction in the Safavid era, Tarikh Iran. Tehran: University of Al Zahra; 2016. Vol.21 p.12-14. [Persian]
35. Saeb Tabrizi M. Diwan Saeb Tabrizi. Efforted by Kahraman M. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1991. Ghazliat.419, 438, 1294, 1305, 1368, 1616, 2312, 2349, 2403, 2738, 3040, 3155, 4359, 4992, 5850, 5949, 6506, 6697, 69553. [Persian]
36. Safa Z. History of literature in Iran. Tehran: Ferdous Publications; 1985. Ch.1 Vol.5 p.125, 698. [Persian]
37. Janabadi M. Rouza al-Safawieh. Efforted by Tabatabaei Majd GH-R. Tehran: Dr.Mahmoud Afshar Endowment Foundation; 1999. p.421. [Persian]
38. Matthee R. The pursuit of pleasure: Drugs and stimulants in Iranian history 1500-1900. Princeton, New Jersey: Princeton University Press; 2005. [Persian]
39. Turkman A. The History of Abbasid Scholars, with an introduction by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir Publications; 2017. p.279. [Persian]
40. Karang A. Antiquities of Azerbaijan. Tehran: Association of National Art; 1972. Vol.2 p.143-145. [Persian]
41. Fakhr al-Zamani A. Tazkire Mekhaneh. Corrected by Golchin Maani A. Tehran: Iqbal Publications; 1983. p.733. [Persian]
42. Garami B. Flowers and plants in a thousand years of Persian poetry. Introduced by Afshar I. Tehran: Sokhn Publications; 2016. p.138. [Persian]
43. Shiri M. Comparative study and analysis of popular culture in Diwan Arfi Shirazi and Kaleem Kashani. Master's Thesis of Persian Language and Literature. Isfahan: Isfahan University, Faculty of Literature and Humanities; 2017. p.19. [Persian]
44. Naziri Nishaburi M. Divan. Corrected by Mosafi M. Tehran: Amir Kabir Publications; 1961. Ghazal.296, 438, 563. [Persian]
45. Fazuli Baghdadi H. Bang and Badeh. Revised and Revised by Mohammadzadeh Sediq H. Tehran: Sahand and Ceylon Institute of Science; 2019. Ch.1. [Persian]
46. Momeni M, Kajbaf A, Al-Hiari F. Narcotics in Safavid Iran. Journal of Medical Ethics and History; 2009. 3(4): 15-26. [Persian]
47. Safavi S. Tadzker Tohfa Sami. Edited by Homayoun Farrokh R. Tehran: Iran Books Printing and Publishing Company; 2001. p.262. [Persian]
48. Taheri A. The political and social history of Iran from the death of Timur to the death of Shah Abbas. Tehran: Scientific and Cultural Publication; 1975. p.238. [Persian]
49. Ravandi M. Social history of Iran. Tehran: Negah Publications; 1990. Ch.3 Vol.7 p.229-230. [Persian]